

کنگره نهم حزب و دوره آتی به اعضا و فعالین حزب حکمتیست - خط رسمی



خالد حاج محمدی: مطلع هستید که کنگره نهم حزب به عنوان عالیترین مجمع حزبی در نیمه دوم آوریل برگزار میشود. اکنون دو سال از کنگره قبلی حزب میگذرد و در این دو سال تحولاتی جدی هم در سطح جهان و منطقه و هم در ایران اتفاق افتاده است. در این دو سال حزب حکمتیست تلاش کرد در کل این تحولات نماینده افق جنبش سوسیالیستی و انقلاب کارگری باشد و در همه مقاطع مهم این دوره سیاست و تاکتیکهای خود را در جهت تقویت موقعیت کمونیستها در جامعه ایران و ایجاد آمادگی برای انقلاب سوسیالیستی اتخاذ کرد. ... صفحه ۲

به اعضای حزب حکمتیست (خط رسمی) پایان انتخابات نمایندگان کنگره نهم

رفقای عزیز!

انتخابات نمایندگان کنگره نهم حزب در کلیه حوزه ها به پایان رسیده است. قاعدتا همه اعضای حزب در هر حوزه ای در جریان نتیجه انتخابات حوزه خود از کانال هیئت نظارت بر انتخابات آن حوزه هستند. لذا از این تاریخ (۲۶ فوریه ۲۰۱۸) به مدت یک هفته (تا چهارم مارس ۲۰۱۸) فرصت رسیدگی به شکایات احتمالی رفقا از پروسه انتخابات در هر حوزه ای است. چنانچه هر رفیقی از پروسه انتخابات در هر حوزه ای و عدم انطباق آن با آئین نامه و مقررات اعلام شده شکایتی از هیئت نظارت بر انتخابات را دارد، لطفا ظرف این هفته شکایت خود را کتبا و با ذکر اشکالات انتخابات در حوزه مورد نظر برای ما ارسال کند. توجه داشته باشید که بعد از زمان مقرر هیچگونه شکایت و اعتراضی رسیدگی نخواهد شد. همینجا از همه هیئت های نظارت درخواست میکنیم که این نامه را فوری در اختیار کلیه اعضا حوزه خود قرار دهند.

با آرزوی موفقیت؛ امان کفا

مسئول نظارت بر انتخابات کنگره نهم

۲۵ فوریه ۲۰۱۸



”رفراندم فردی“ آقای پهلوی و ”رفراندم جمعی“ آقای شریعتمداری! دو آینده رو به گذشته ای مرده برای حفظ وجود

ثریا شهابی

بیانیه دستجمعی تحت عنوان "بیانیه ۱۵ فعال سیاسی و مدنی ایرانی جهت تعیین نوع حکومت ایران از طریق رفراندوم"، که نام آقای حسن شریعتمداری بر فراز آن "میدرخشد"، مانند بیانیه فردی آقای رضا پهلوی در مورد "برگزاری رفراندومی برای تعیین نوع حکومت ایران" یک سناریوی ورشکسته، هالیوودی، از پیش خط و جهت دار "جنگ سردی" است. این دو نوستالژی "طرح رفراندوم"، سناریوهای پشت به دوآینده مرده و رو به دو "قبله گاه" تاریخا سپری شده است. این دو سناریو، مستقل از داعیه های "دهن پرکن" بی محتوا و غیرممکن، از جنس

داعیه های "خوش آب و رنگ" ارتجاع اسلامی قبل از به قدرت رسیدن، فاقد کمترین رگه آزادیخواهانه تغییر در جهت بهبود است. خاصیت "جادویی" آنها نه از امکان یا عدم امکان عملی شدن، که در "راهکارها"، "گفتمان ها" و ظرفیت هایی است که برای دخالت در آینده ایران در سیر خلاصی از جمهوری اسلامی در حال مهندسی است. "گفتمانی" که یک سر آن در دفتر رئیس جمهور روحانی است، یک سر آن در دفتر آقای پهلوی، و سر دیگر آن در دفتر آقای شریعتمداری است و صدالبته در حمایت بی دریغ "بی بی سی" و رسانه های پیرو سیاست های وزارت خارجه دولت های

اروپایی! در میان این "آجیل مشکل گشای" آقای شریعتمداری، موقعیت شخصت های "اصلاحات چی" دیروز و "رفراندم چی" امروز که حتی تا یک ماه قبل حاضر نبودند کلمه ای در مخالفت با اصلاحات را تحمل کنند، مضحک تر از آن است که کسی شیفت فرصت طلبانه شان را جدی بگیرد! عناصر بی اعتبار و "پاره تن نظام"، چون سازگاراها و مخملباف ها، با آن سوابق تلخ "درخشان" خود، قرار است "تندی" حضور آقای شریعتمداری در این "آجیل مشکل گشا" را خنثی و آن را به مذاق "داخل" خوش کند! ... صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

کنگره نهم حزب ...

در کل این پروسه حزب ما در تلاش بود مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای سرنگونی آنرا در جهتی سوق بدهد که موقعیت و توازن قوا به نفع آزادیخواهی، تغییر کند. حزب تلاش کرد همه راه حل های ارتجاعی از اتکا به دولتهای امپریالیستی تا دول مرتجع منطقه، از تلاش برای رنگ قومی و مذهبی زدن به اعتراضات مردم تا اتکا به جناحهای جمهوری اسلامی و... را نقد، افشا و حاشیه ای کند.

در امتداد این دوره ما شاهد شورش محرومین جامعه ایران برای رفاه و آزادی و برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی بودیم. همچنانکه به کرات تاکید کرده ایم، "شورش گرسنگان" شورش بخش محروم طبقه کارگر ایران علیه بردگی و فقر، شورش زنان و جوانان آزادیخواه و متمسکن علیه تحقیر و بی حقوقی مطلق به زنان و برای تامین آزادیهای سیاسی، فردی و اجتماعی است. عروج محرومین جامعه فضای سیاسی و توازن قوای میان مردم عدالتخواه با جمهوری اسلامی را به نفع مردم تغییر داده است. دوره ای جدید از مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلامی و برای سرنگونی انقلابی آن آغاز شده است. لایه های مختلف و جناحهای جمهوری اسلامی و راه حلها و افقهای تاکتونی آنها، از اصول گرا تا اصلاح طلب و صنفی از لیبرالها و ناسیونالیستها و... مهر باطل خورده اند.

اعتراضات این دوره سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را با اتکا به صف کارگران، صف محرومین جامعه و زن و جوان متمسکن و از کانال انقلاب از پایین را روی صحنه سیاست ایران برجسته و به مسئله روز همه نیروهای جدی از راست تا چپ تبدیل کرده است. سران جمهوری اسلامی صدای پای انقلاب را شنیده اند! خامنه ای،

روحانی، احمدی نژاد و سران اصلاح طلب، همه به میدان آمده اند تا با شعار "مردم حق دارند" و "باید برای مطالبات آنها فکری کرد"، امکانات و زمان لازم را برای شکست دادن همین مردم فراهم کنند. اکنون در کنار آنها صنفی وسیع از نیروهای ضد کارگری و ارتجاعی راست نیز به تکاپو افتاده اند، آنها نیز به ظاهر با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در تلاشند با طرحهای ارتجاعی مانع هر تحول اساسی به نفع اکثریت مردم ایران بشوند. امروز اپوزیسیون نمایی حاکمین جمهوری اسلامی از ترس انقلاب محرومان و از ترس عروج طبقه کارگر ایران، به جایی رسیده است که بخشی از قاتلین مردم ایران، کسانی که پرونده قتل و سیاهی از مشارکت در سرکوب مردم در همه مقاطع مهم سیاسی چهل سال گذشته دارند، امروز لباس "دفاع" از حق مردم محروم را پوشیده اند تا بتوانند بار دیگر اعتراض بر حق آنها را سلاخی کنند. این بیان آگاه بودن بورژوازی ایران و نمایندگان آنها در حاکمیت به قدرت طبقه کارگر ایران و ترس از به میدان آمدن آن است. این نشان قدرت بالقوه جنبش حق زن است که جوانه های آن به نام "دختران خیابان انقلاب" در سراسر ایران تکثیر شده است.

اما این تنها یک بخش از حقیقت است. قدرت بالفعل جنبش ما و حقانیت شورش گرسنگان، حقانیت اعتراضات زنان ایران و حقانیت کمونیستها و آزادیخواهان ایران، هنوز چیزی در مورد تضمین پیروزی و موفقیت ما نمیگویند. نفس حقانیت هیچ جنبش و جریان کارگری و کمونیستی، دلیلی بر تغییری به نفع بشریت در جامعه ایران و هیچ کجای دنیا نیست. باید این دوره و مسوانع راه را شناخت. باید کاستی ها و ضعف های خود را دید، باید نیروی خود و دشمن و موقعیت واقعی هر کدام را در نظر گرفت. باید از هر نوع خود فریبی دوری کرد و جنگ را به عنوان یک جنگ واقعی در

حکمتیت هستی

صحنه جامعه نگاه کرد و برای ورود به آن نیرو جمع کرد. باید امکان پیروزی را در دل این جنگ فراهم کرد. بار دیگر دریچه ای برای دخالتگری کمونیستها در سیاست ایران باز شده است، این دریچه را با دخالتگری هوشیارانه و نقشه مند باید گشود و امید که زنده شده است را باید تقویت کرد. از این امکان باید نهایت استفاده را برای سازمان دادن و اتحاد کارگری در محل کار و در محلات کارگری کرد. باید پایه های حزب و کمونیسم را در هر محله و کارگاه و کارخانه ای روی زمین واقعی در صف کارگران صنعتی، در میان همه بخشهای طبقه کارگر، در محلات کارگری، در میان معلمان و دانشگاهها، در میان زن و جوان حق طلب، در دل مبارزات واقعی امروز برای رفاه و آزادی، ساخت و تحکیم بخشید. شرط پیروزی طبقه کارگر و محرومان ایران در فردای پس از سرنگونی، ایفای نقش ما در این دوره، در متحد و متشکل کردن طبقه کارگر در سازمانهای کارگری و توده ای در همه جا، متحد کردن صنفی از رهبران و فعالین هوشیار طبقه کارگر در حزب کمونیستی آنها و تسبیل حزب حکمتیت به حزبی سیاسی با نفوذ و توده ای است.

پیروزی طبقه کارگر و مردم محروم در ایران بدون اینها محتوم نیست، همچنانکه بردگی ما و حاکمیت مشتکی انگل سرمایه دار بر سرنوشت ما امری محتوم نیست. تاریخ و تحولات تاریخی را، جنبشهای سیاسی جدی و پراتیک انسان زنده میسازند. پیروزی تنها زمانی ممکن است که ما کمونیستها در ایران، بتوانیم مهر خود را بر تحولات این دوره بزینیم. پیروزی ما زمانی ممکن است که روی زمین واقعی بتوانیم نیروی طبقه خود و همه آزادیخواهان و عدالتخواهان را حول پرچم و افق خود، حول نوع سرنگونی مد نظر خود و حول شعارها و برنامه های خود متحد کنیم. پیروزی ما وقتی ممکن است که نیروی جنبش و طبقه خود را برای جنگی جدی و

انقلاب کارگری آماده کرده باشیم. دولتهای بورژوازی جهان هزاران شورش محرومین را در نبودن سازمان، در نبود تشکل و در نبود حزبی رزمنده و قدرتمند و توده ای، به خون کشیده اند و شکست داده اند. ما برای پیروزی جنبش خود، برای سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان قدم اول در راه انقلاب کارگری و تامین رفاه و آزادی و امنیت، باید به حزبی قدرتمند که در صحنه سیاسی قادر به جابجا کردن نیرو در مقابل بورژوازی است، تبدیل شویم. حزبی که همزمان نماینده افق سوسیالیستی و قدرت طبقه کارگر است. ما در یک جدال واقعی با طبقه سرمایه دار و جمهوری اسلامی و صنفی از سخنگویان و مبلغین و ... آنها طرف هستیم که قدرت را به راحتی تسلیم نخواهند کرد. ما باید برای جنگی واقعی آماده شویم.

این دوره و این فرجه برای ما و برای متحد کردن کارگران ایران، برای متحد کردن و سازمان دادن جنبش خود، همیشه باز نیست و همیشه باز نخواهد ماند. دیر یا زود این اوضاع به طرفی تعیین تکلیف میشود و اینکه ما و حزب ما و همه کمونیستهای نوع ما، کمونیستهای طبقه کارگر و انقلاب کارگری بتوانیم نقشی جدی ایفا کنیم، تنها یکی از احتمالات است. دهها احتمال دیگر در مقابل جامعه ایران قرار دارد و حاکمیت و همه مرتجعین و جریانات بورژوازی برای مانع شدن از اتحاد ما و طبقه ما، و برای ممانعت از سرنگونی جمهوری اسلامی از راه یک انقلاب و نهایتا قیامی توده ای، هزار نقشه و برنامه در دستور دارند.

رفقای عزیز

کنگره نهم در چنین اوضاعی برگزار میشود. کنگره حزب به عنوان بالاترین مرجع حزب ما امکانی است برای ایجاد آمادگی حزب جهت ایفای نقش در چنین دورانی. کنگره حزب امکانی است

برای ایجاد بالاترین سطح از اتحاد سیاسی و توافق بر سر سیاست و تاکتیکهایی که در این دوره در دستور خواهند بود.

بی تردید شرایط پلیسی حاکم بر ایران و ممنوعیت فعالیت کارگری و کمونیستی، محدودیتهای جدی ای به کنگره ما و بویژه به دخالت اعضا و فعالین و کادرهای حزب در ایران تحمیل میکند. جای همه این رفقا در کنگره نهم ما خالصی است. این شرایط کنگره و حزب ما را از حضور و دخالت فعال و مستقیم صنفی از کمونیستهای ایران، صنفی از فعالین و رهبران کارگری، صنفی از زنان و جوانان آزادیخواه، محروم میکند. حزب با آگاهی به این معضل تلاش میکند، امکان هر نوع دخالتگری را نه تنها برای فعالین و کادرهای خود که برای هر فعال کمونیست و هر رهبر کارگری و هر زن و مرد آزادیخواهی فراهم کند. حزب حکمتیت به این صف متسکی است و به این صف تعلق دارد. ما از هر نوع دخالتگری شما استقبال میکنیم و آنرا کمک جدی به آمادگی خود در راهی که در پیش داریم و جدالی که باید باهم پیش ببریم میدانیم. این حزب متعلق به هر کارگر کمونیست، به هر زن و جوان و انسان آزادیخواه و برابری طلب است و دخالت کل این صف برای ما مایه افتخار است.

دست همگی شما را به گرمی میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

خالد حاج محمدی

از طرف کمیته رهبری حزب

هفتم اسفند ۱۳۹۶ - ۲۶ آوریل

۲۰۱۸

حکمتیت را توزیع و
پخش کنید

رفراندم فردی آقای ...

“اش شله قلم کاری” که تنها و تنها برای این بارگذاشته شده است که کاری را که جمهوری اسلامی در مقابل اعمال اراده مستقیم و میلیونی مردم برای دخالت در سرنوشت شان نمی تواند بکند، سریع و در کوتاه مدت و تا قبل از به میدان آمدن مدعیان دیگر، به سرانجام برساند! در این بازار مکاره حضور چهره های “اصلاح طلب” فعال مدنی و هنری، که نقشی در حاکمیت نداشته اند، تنها چاشنی بیش نیست.

بیانیه آقای پهلوی، حرکتی به رهبری فردی ایشان، شخصیتی “برون حکومتی” برای روزهایی است که کنترل از دست جمهوری اسلامی ایران خارج شده است، برای روزهایی که خلا قدرتی در چشم انداز باشد و ایشان بتوانند از نیروهای درون حکومتی، یارگیری کند و در دسترس این نیروها باشد. خصوصا برای شرایطی است که کمونیسم ستیزی و پرچم های جنگ سردی علیه آن، که یک رکن و توافق مهم هر دو صف “رفراندم چی” است، برافراشته شده باشد و بر فضای چپ و کارگری موجود غلبه کرده باشد.

رفراندم آقای پهلوی و آقای شریعتمداری متعلق به مقطعی است که هیچ حزب و سازمان و جنبش و قدرت دیگری از بطن جامعه، بخصوص کارگری و چپ و کمونیستی در میدان نباشد،

داعیه کسب قدرت سیاسی نداشته باشد و یا به ضرب و زور قدرت موجود جمهوری اسلامی سرکوب، به آن خون پاشانده شده و صفوف آن از میدان بدر شده باشد!

الگو مشترک دو گروه “رفراندم چی” سناریو انقلابات “غیر خونین و مسالمت آمیز” نارنجی و بلوک شرق است. قرار است پس از رفتن بخشی از سران حکومت و تحویل دادن دستگاه های سرکوب آن، زندان و پلیس و ارتش و بخشا سپاه و اطلاعات و ... ، به تیم آقای پهلوی یا تیم آقای شریعتمداری مشکل مردم در ایران را سریع و با یک چشم بندی محیرالوقوع حل کنند! تا یک چهل - پنجاه سالی هم ایشان با سرنوشت مردم ایران بازی کنند! تا در غیاب مردم، در غیاب طبقه کارگر و در غیاب جنبش های چپ و رادیکال در غیاب دانشجویان و زنان آزادیخواه، با حضور سازمان ملل، مردم ایران چون یوگوسلاوی و اوکراین یا عراق و لیبی به دمکراسی و “رهایی” برسند! تا همان هایی که یوگوسلاوی را بمباران کردند و صرب و کروات را به قتل عام هم فرستادند و عراق و لیبی را هم “آباد” کردند با پرچم های برافراشته جنگ سردی راست در ایران، به نجات مردم در ایران بشتابند.

بیانیه آقای شریعتمداری، که چهارده نفر دیگر را هم پشت سر خود دارد، همان پروژه آقای پهلوی است با تأمین

رهبری جمعی که از بیانیه آقای پهلوی تماشایی تر است. بیانیه ای که چهارده نفری که برخی عمری برای اصلاح جمهوری اسلامی ایران چه زحمات و رشادات هایی که نکرده اند را هم پشت سر دارد! امثال مخملباف ها و سازگارا ها و نوری زاد ها و بقیه طیف اصلاح طلب دیروز و حزب الهی های پریروز، این بار در هیئت ناجیان شال و کلاه کرده اند که مانع پیشروی و موفقیت تحرک و تعرض محرومان و وارد شدن خدشه ای به نظام شوند!

جالب است کسانی که هالوکاست اسلامی را در ایران آفریدند، کسانی که کمونیست ها و چپ ها و رهبران اعتراضات و مبارزات کارگری و حتی نوجوانان فدایی و مجاهد را همراه خانواده هایشان قتل عام و سرکوب کرده اند، امروز قربانیان را متهم میکنند که اگر قربانیان به قدرت می رسیدند هم همچون آنها “علیه بشریت جنایت” میکردند! مثل آقایان مخملباف ها و سازگارا ها و دوستانش در سپاه و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر امام و وزارت اطلاعات و ... عمل میکردند! مثل اینکه کسی جرات کند و امروز به قربانیان آشویتس نازی ها اتهام بزند که اگر آنها به جای هیتلر در قدرت بودند با “آلمانی های آریایی اصیل” همان میکردند که هیتلر با آنها کرد و کوره آدم سوزی راه

می انداختند! نام این شارلاتانیسم و وقاحت عریان را هم فاصله از حکومت های ایدئولوژیک می گذارند.

امروز در شرایطی که رهبر میگوید که: بشرطی که شما مردم ساکت باشید و به ما وقت بدهید، ایشان از پیش اعلام غلط کرده اند و بی عدالتی را چهل سال حاکم کرده اند فرموده اند، باز نوبت به نان به نرخ روزی خواری طیف اصلاح طلب دیروز رسیده است که دستک و دمبک دست بگیرند که ساکت باشید، “اعتراض نکنید” یا به زبان آنها “خسوت نکنید” و به اقا و آقایان و خانم های “اصلاح طلب” دیروز و “رفراندم چی” امروز وقت بدهید تا آنها از یک طرف و احمدی نژاد از طرف دیگر، نظام را به شکل دیگری “اصلاح” کنند!

بچه مسلمان ها و حزب الهی های دهان کف کرده دیروز، امروز که پشیمان می شوند، آنقدر وقیح اند که به خود اجازه میدهند که “شکر” میل کنند و جنایات خودشان را به قربانیان هالوکاست اسلامی، منتسب کنند! هنوز نظام شان توسط پایینی ها به زیر کشیده نشده است که جسارت چنین “شکر میل کردن” هایی میکنند! ترس شان واقعی است! انقلاب ۵۷ و قدرت پایین را که یک دهه طول کشید تا آن سرکوب کنند را دیده اند! همه هنرشان، برای جلوگیری از اعمال قدرت

مردمی است که هم مخملباف ها و سازگارا ها و روحانی ها و نوری زاد ها را می شناسند و هم کمونیست های خوش نام و معتبر در ایران را! اینها با جمهوری اسلامی به بهشت و به ملکوت قدرت قدم گذاشتند، و میخواهند با مرگ جمهوری اسلامی برگه عبور از این جهنم به بهشت بعدی را خریداری کنند. در این میان البته نقش آیت الله بی بی سی ها هم که باز برای مردم ایران عکس خمینی را در ماه جاسازی کنند، ویژه است.

از طرف دیگر لطایف جنگ سردی آقای پهلوی دیدنی است! ابوی ایشان ساواک و کمیته مشترک داشت و در زمان حکومت “غیرایدئولوژیک” ایشان بردن اسم پرند و پرواز و سیاهی و سرخی در آهنگ خوانندگان ممنوع و حبس و شکنجه داشت، زمان حکومت ابوی “محترم” داشتن عقاید اشتراکی و نقد جامعه طبقاتی حکم اعدام داشت و اعتصاب کارگران گلوله باران شد، حال امثال خسرو گل سرخی ها و روزبه ها و صدها و صدها کمونیست و رهبر کارگری خوشنام قربانی شکنجه گاههای ساواک و کمیته مشترک، بدهکار سلسله خاندان ایشان اند! آقای پهلوی میتواندست از این پرونده سیاه ابوی فاصله بگیرد و کماکان کراوات “دمکراسی طلبی” و “لیبرال” منشی بزند! ←

رفراندم فردی آقای...

اما در مقابل "خطر" طبقه کارگر و کمونیستها، هرگز فراموش نمی کند که به اصل خود رجوع و در دفاع از حکومت ابوی اما "خوش خیم تر"، دست در کیسه حملات جنگی سردی بکند! فراموش نمی کند که در مقابل چپ دست در کیسه "جنگ" سپری شده ای بکند که هم سلسه ایشان و هم سلسله جمهوری اسلامی، تنها در دل آن جنگ و در دل آن تقابل شرق و غرب، شانس به قدرت رسیدن و در قدرت ماندن پیدا کردند! حکومت هایی که هیچکدام کمترین ریشه ای در جامعه و در میان مردم متمدن و متوقع در ایران نداشتند.

این جمعیت از نظر سیاسی بی آینده، فقط و فقط برای قیچی کردن پروسه قدرتمند شدن و قدرت گیری پایین، محرومین، طبقه کارگر، زنان و جوانان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، به میدان آمده اند. چهره هایی که در هرکلام علیه حاکمیتی که خودشان در اعمال آن سهیم بوده اند، هزار بار علیه کمونیسم و مارکسیسم و عدالتخواهی آن، "شکر میل" میکنند. اسم رمز این شارلاتانیسم هم "ضدیت با حکومت ایدئولوژیک" است!

ظاهرا مسئولیت حکومت ایدئولوژیک هیتلر که محصول مستقیم دموکراسی پارلمانی بود، پای کمونیست ها است! جهان غرب مدتها است به این اراجیف جنگ سردی پشت کرده است. این رگه راست جهان سومی دیر به بازار تخریب به شیوه یوگوسلاویزه کردن و عراقیزه کردن و خاورمیانه ای کردن آمده است. با این جسارت تنها خود را افشا میکند و آینده ای که میخواهد بعد از جمهوری اسلامی بیارود را در مقابل چشم همگان میگذارد.

جنگ سرد و پرچم چپ و کمونیسم ستیزی در قلب کمپ پیروز آن، در غرب، به پایان رسیده است. برافراشتن آن توسط شخصیت های جهان سومی از قافله جهانی عقب مانده، بخصوص بلند کردن آن در ایرانی که در آن طبقه کارگر، چپ و کمونیسم آن، یک جنبش قدرتمند و در میدان است، اگر غیر ممکن نباشد ساده نیست. رفاندم به رهبری فردی یا جمعی، اساسا برای جلوگیری از عروج چپ و طبقه کارگر و کمونسم و سوسیالیسم، که نسیم آن در ایران در وزش است، به میدان آمده است. نه برای سکولاریسم است و نه حق رای و نه دخالت مردم

در سرنوشت شان و نه برای جلوگیری از خشونت! این ها طرفداران خشونت های قانونی حاکمیت، خشونت قانونی ناتو و سازمان ملل و .. اند و علیه تحرک و اعتراض قائم به ذات مردم و دخالت مردم!

سلطنت در ایران، تاریخی سپری شده است! جمهوری اسلامی ایران هم مشرف به موت است! تلاش برای آینده سازی رو به این دو گذشته مرده، تنها و تنها برای جلوگیری از آینده متفاوت، آزاد و مرفه ای است که تنها به قدرت مردم، و در مقابل این تلاش ها ساخته میشود. ما تلاش میکنیم که تضمین کنیم که انقلاب بعدی نه نارنجی و آزادی به شیوه یوگسلاویزه شدن، که انقلاب کارگری، سوسیالیستی، بدون خشونت و با کمترین خون و خون ریزی اما پرچم اش سرخ باشد.

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خاورسزم)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تلاش با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!